

می‌تواند در صورتی که حمایت کافی توسط مسولین فرهنگی آن کشور از او به عمل آید، تاثیر مثبت و فراوانی بر رشد و توسعه عکاسی آن کشور بگذارد. سال‌های طولانی حکومت دیکتاتوری این فرصت را از عکاسان آن کشور سلب کرده بود که بتوانند با ایجاد رابطه و نزدیکی با عکاسی روز دنیا کار خود را در مسیر خلاقیت و رشد کیفی و حتی کمی‌پی ببرند. نبود و یا کمبود کار عکاسی قابل‌اعتنایی از عکاسان عراقی در تمام دوران جنگ با ایران گویای این مطلب است که زمینه‌ای مناسب برای فعالیت‌های عکاسی در گذشته در این کشور وجود نداشته است.

زیاد از موضوع دور نشوم. آنچه که دستمایه اصلی این مطلب است، شرح و مقایسه دو ملاقات است، که یکی به نوعی به عکاسی مربوط می‌شود و دیگری به شعر و ادبیات. پس بدون توضیحات اضافی مستقیماً به آن‌ها می‌پردازم و بی‌آنکه بخواهم شخصاً آن‌ها را تحلیل کرده و برداشتی تحویل خواننده بدهم، هر تحلیل و برداشتی را به خود خواننده می‌گذارم. پیش از آن بگویم که صرف نظر از برنامه روز افتتاح، که همگی به اتفاق در مراسم حضور داشتیم، برنامه‌های ما (من و هانا به عنوان عکاس - پگاه، شمس، حافظ، باباچاهی، مرادی و خندان) در طی روزهای جشنواره، جز در روزی که به شعر خوانی شاعران ایرانی اختصاص داشت، و من و هانا به عنوان شنونده شرکت داشتیم، با هم نبود. من و هانا تقریباً بیشتر وقت‌ها در گالری موزه سلیمانیه، که نمایشگاه عکس در آن‌بر پا بود، به گفتگو با مراجعه‌کنندگان و پرسش و پاسخ با آنان می‌پرداختیم، و آنان وقتشان صرف حضور در جلسات شعر خوانی شاعران عرب و کرد می‌شد. اجتناب ناپذیر هم بود.

ملاقات اول

روز دوم جشنواره، چهارشنبه سی‌ام آبان، شخصی به دیدن نمایشگاه آمد، که بعد از آشنائی فهمیدم نامش باسط قریب است، سر دبیر مجله خاک، اولین مجله فرهنگی اجتماعی که پس از خود مختاری کردستان در سلیمانیه منتشر شد. مدیر مسول آن هروخان، همسر جلال طالبانی، رئیس جمهور فعلی عراق، است. زمانی طولانی را در نمایشگاه به دیدن دقیق عکس‌ها صرف کرد و بعد با هم به صحبت پرداختیم. فارسی‌می‌دانست و گویا مدتی‌را هم در ایران گذرانده بود. از ادبیات، نقاشی، عکاسی و کار مطبوعاتی صحبت کردیم. آدم مطلعی بود. موقع رفتن گفت "می‌خواهید به هروخان ملاقات کنید؟"

به محض گفتن نام هروخان، هانا و سوران با خوشحالی ابراز علاقه کردند و سوران از ملاقات با او به عنوان یک خاطره فراموش نشدنی یاد کرد. هانا رو به من کرد و گفت که در زبان کردی اینجا به خانم می‌گویند "خان". زن قهرمانی که سال‌ها همراه با پیشمرگ‌های کرد در مبارزه با رژیم صدام حضور داشته و در حال حاضر به خاطر دل‌بستگی‌اش به مسائل فرهنگی و نزدیکی عمیق به مردم، نزد آنان فوق‌العاده محبوب است.

با ابراز علاقه ما، آن شخص بلافاصله تلفنی با هروخان قرار ملاقات را برای ساعت دو بعد از ظهر گذاشت. قرار شد اندکی قبل از آن در دفتر کار آن شخص در دفتر روزنامه حاضر شویم.

Burnaby, New Westminster

Burnaby Photographic Society
Cornerstone Print Group
New Westminster Photography Club

Surrey, Delta, Langley

Crescent Beach Photography Club
Delta Photo Guild
Langley Camera Club
Surrey Photography Club

Fraser Valley East

Abbotsford Photo Arts Club
Chilliwack Camera Club

Okanagan/Interior

Central Okanagan Photographic Society
Kamloops Photo Arts Club
The Lightroom
The Osoyoos Photo Club
Summerland Camera Club
The Shuswap Photo Arts Club
Vernon Camera Club

East Kootenays

Kimberley Camera Club

West Kootenays

West Kootenay Camera Club

Vancouver Island

Alberni Alley Photography Club
Cowichan Valley Camera Club
Esquimalt Photography Club
Harbour City Photography Club
Oceanside Photographers
Victoria Camera Club

Northern BC

Northern Lenses Camera Club
Prince George Photographic Society
Prints Rupert Camera Club
UNBC Photo Club

Yukon

Whitehorse Photographic Club